

ما در مورد حق چشم صحبت می‌کردیم. تقریباً مطالبی که در مورد حق چشم لازم بود را بیان کردیم و یک مطلب باقی مانده که بعد از آن وارد حق الرجل، حق پا می‌شویم.

فرمودند «وَأَمَّا حَقُّ بَصْرِكَ فَغَضُّهُ عَمَّا لَا يَحِلُّ لَكَ وَتَرْكُ ابْتِدَالِهِ إِلَّا لِمَوْضِعِ عِبْرَةٍ تَسْتَقْبِلُ بِهَا بَصْرًا أَوْ تَسْتَفِيدُ بِهَا عِلْمًا فَإِنَّ الْبَصَرَ بَابُ الْإِعْتِبَارِ»؛ ما در مورد حقوق ایجابی و سلبی چشم سخن گفتیم. به تفصیل معلوم شد که هم باید از نگاه ناروا بپرهیزد (نگاه حرام) و هم نگاه بیهوده نداشته باشد، این دو با هم فرق می‌کند.

لزوم عبرت آموزی با چشم

بعد می‌فرماید که اگر می‌خواهد به چیزی نگاه کند، عبرت باید باشد «وَتَرْكُ ابْتِدَالِهِ إِلَّا لِمَوْضِعِ عِبْرَةٍ»؛ حال این عبرت دو مصداق برایش ذکر کرد، یا چیزی که دانش انسان را بالا ببرد یا موجب بصیرت شود، «تَسْتَقْبِلُ بِهَا بَصْرًا أَوْ تَسْتَفِيدُ بِهَا عِلْمًا»؛ بعد یک تعلیل می‌آورد «فَإِنَّ الْبَصَرَ بَابُ الْإِعْتِبَارِ»، من راجع به این تعلیل و عبرتی که این فقره به آن اشاره کرده چند نکته را عرض می‌کنم.

اساس اینکه انسان در دنیا باید عبرت بگیرد یک امر مسلمی است، امیرمؤمنان می‌فرماید «إِنَّمَا يَنْظُرُ الْمُؤْمِنُ إِلَى الدُّنْيَا بِعَيْنِ الْإِعْتِبَارِ»؛ مؤمن اصولاً به دنیا با دیده اعتبار نگاه می‌کند. یعنی موضعش نسبت به دنیا موضع اعتبار است، این فقط مربوط به چشم نیست، تعلقات انسان، دل انسان، اصلاً توجه انسان به دنیا باید از این موضع باشد. اینکه انسان به دنیا به دیده اعتبار نگاه کند یعنی چه؟ اگر موضع کلی انسان نسبت به دنیا اینچنین باشد، طبیعتاً چشم هم که یکی از اعضای انسان است، باید به هر چیزی با این نگاه برخورد کند، اعتبار از عبره به معنای عبور کردن است، اصلاً عبرت یعنی عبور کردن، عبور کردن از یک چیزی و رسیدن به یک چیز دیگر، معنای عبرت این است، می‌گویند از گذشته‌ها انسان عبرت بگیرد، یعنی گذشته را ببیند منتهی از او بگذرد و عبور کند و به چیز دیگر برسد، از حوادثی که پیرامون انسان اتفاق می‌افتد می‌گویند عبرت بگیرید، یعنی این را ببینید ولی متوقف در آن نشوید، یک نتیجه‌ای بگیرید و به جای دیگری کوچ کنید. تعبیر خواب هم که می‌گویند همین است، تعبیر خواب یعنی آنچه که خواب به حسب ظاهر دارد، معبر از این عبور می‌کند و به یک واقعیتی می‌رسد، یک پیامی از این خواب می‌گیرد، یک معنا و مفهومی را از این خواب به دست می‌آورد.

امیرمؤمنان می‌فرماید: مومن اصولاً به دنیا بعین الاعتبار نگاه می‌کند، یعنی دنیا را می‌بیند، بالاخره این را باید ببیند، زیرا در این دنیا زندگی می‌کند ولی باید از این عبور کند و به چیز دیگری برسد. اگر کسی این کار را انجام بدهد معلوم می‌شود کاملاً به حقیقت وجودی خودش و فلسفه خلقت خودش پی برده است.

حضرت علی در کلام دیگری می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ الْعِبْرَةَ فَكَأَنَّهَا عَاشَ فِي الْأَوَّلِينَ»؛ کسی که عبرت را بشناسد، یعنی زندگی را بر اساس عبرت و عبور کردن و گذشتن از قضایا (این نسبت به تاریخ و گذشته است) بنا کرده باشد مثل کسی است که با گذشتگان زندگی کرده است. یعنی کسی که به تاریخ مراجعه کرده و سرنوشت اقوام پیشین را می‌بیند و از آنها پند می‌گیرد، با آنها نبوده ولی کأنه با آنها زندگی می‌کند، عبرت یعنی این از آنها عبور می‌کند.

^۱ تحف العقول، ص ۲۲۲.

^۲ غرر الحکم، ح ۸۸۵۰.

حضرت علی در جای دیگر می‌فرماید: «الاعتبارُ یثمرُ العِصْمَةَ»؛ عبرت آموزی باعث عصمت انسان می‌شود. نه آن عصمت اصطلاحی، یعنی یک دژ محکمی است که جلوی خطا و لغزش را می‌گیرد، اگر انسان به هر چیزی در این دنیا به دیده عبرت و اعتبار نگاه کند، اصلاً همه چیز این دنیا را اعتبار بداند که از آن باید عبور کند و به جای دیگر برسد، این جلوی لغزش او را می‌گیرد، تعبیر عصمت اینجا حضرت به کار بردند.

در جای دیگر حضرت علی می‌فرماید: «إِنَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَ عِبْرَةً لِّذَوِي الْأَلْبَابِ وَ الْاِعْتِبَارِ»^۱؛ هر چیزی در این دنیا صاحب موعظه و پند است هیچ چیز در این دنیا بدون عبرت نیست، منتهی برای اهلش، یعنی از کوچکترین ذرات این عالم تا بزرگترین ذرات این عالم برای انسان پند دارد، منتهی بحث این است که صاحب خرد و اندیشه باشیم و اهل پندگیری.

اگر دنیا برای انسان اساساً اینچنین است که باید محل عبرت باشد و اگر عبرت این آثار را دارد و اگر عبرت باعث می‌شود که انسان از خطا و لغزش مصون بماند و اگر هر چیزی در این دنیا اساساً پیام دارد برای ما و عبرت را برای ما می‌آموزد، پس چشم نیز باب الاعتبار است، می‌گوید «فَإِنَّ الْبَصَرَ بَابُ الْاِعْتِبَارِ» در اعتبار است، باب عبرت آموزی چشم است هیچ عضو دیگری مثل چشم نمی‌تواند این باب را به سوی انسان بگشاید؛ بلکه شنیدن بعضی از قضایا، انسان را می‌تواند در این مسیر قرار دهد، ولی آن می‌شود مثلاً پنجره اعتبار، مسموعات هم می‌تواند باعث اعتبار شود ولی شاهراه اعتبار و عبرت چشم است. اینکه حضرت می‌فرماید «فَإِنَّ الْبَصَرَ بَابُ الْاِعْتِبَارِ»، واقعا هیچ عضوی از اعضا مثل چشم در ورودی عبرت نیست.

بنابراین حضرت می‌فرماید ایها الناس حق چشم این است که نگاه حرام نداشته باشید بلکه چشمتان همیشه به روی چیزهایی باز باشد که برای شما عبرت آموز باشد. بی جهت این در را به روی هر چیزی و برای هر مقصودی باز نکنید.

«الحمد لله رب العالمین»

^۱ غرر الحکم، ص ۴۷۲.